



رازهای انسانی چوپ چادویی

لیلا جلیلی

نمایش نمی‌گذرد که بچه‌ها با اکثریت آرا، پینوکیو را بهترین عروسک‌ها برمی‌گزینند و تاج افتخار را بر سر او می‌گذارند.

داستان پینوکیو، یک کتاب درسی اخلاقی است؛ اما نه از آن گونه کتاب‌های خشک و کلیشه‌ای که می‌گویند بچه‌ها باید جلوی بزرگ‌ترها، سر به زیر و خاموش باشند و ابراز وجود نکنند و سر سفره حرف نزنند و نخندند و از این حرف‌ها.

چاشنی این داستان، همدردی و انسان‌دوستی با مردم صلح‌دوست سراسر جهان است. در این داستان

آن، بارها به صورت‌های مختلف، در بیشتر کشورها به اجرا درآمد.

ایتالیا که سرزمین زیبایی و گاهواره‌ی هنر است، قهرمانان خیمه‌شب‌بازی زیادی دارد. هر یک از شهرهای آن برای خود قهرمانان مخصوص و آداب و رسوم ویژه‌ای دارند؛ مانند پهلوان کچل معروف ونیزی به نام «پانتالونه» (Pantalone) و پهلوان کچل فلورانس به نام «استنترلو» که همگی زبان زد عام و خاص‌اند؛ اما پینوکیو چیز دیگری است.

داستان‌های خیمه‌شب‌بازی نیز به روی صحنه آمده‌اند؛ اما چیزی از آغاز

داستان پینوکیو در اصل به زبان ایتالیایی است و نه تنها از معروف‌ترین کتاب‌های ایتالیاست؛ بلکه شهره‌ی تمام جهان است. این داستان به همه‌ی زبان‌های دنیا، حتی به برخی از لهجه‌های محلی اسکاتلند نیز ترجمه شده است. شرکت «والث دیسنی» نیز از روی آن، فیلم قابل تحسینی ساخته است که خود شاهکار دیگری است. نام واقعی نویسنده‌ی کتاب، «کارلو لورن زینی» است؛ اما کتاب به نام مستعار «کولودی» نوشته شد و به همین نام شهرت یافت. کولودی در واقع نام یکی از روستاهای «توسکانی» در ایتالیا است.

می‌دانیم که نویسنده، خود یکی از بچه‌های روزگار خود بوده و در دبستان، آموزگار و هم‌شاگردی‌هایش را به ستوه آورده است؛ به طوری که با شیطنت و بازی‌گوشی‌های خود چندین بار در معرض اخراج از مدرسه قرار گرفته بود. او با الاغ میانه‌ی خوبی داشت، بیشتر نقاشی‌ها و کار دست‌های او الاغ بودند.

کتاب پینوکیو در سال ۱۸۸۱ م. به صورت داستان دنباله‌دار برای بچه‌ها نوشته شد و در مدت زمان کوتاهی از آن استقبال زیاد شد. این کتاب به ۳۰ زبان ترجمه شد. در ایتالیا قسمت‌هایی از آن به منزله‌ی متن درسی در کتاب‌های دوره‌ی ابتدایی پذیرفته شد. نمایش خیمه‌شب‌بازی

رشد آموزش

۵۳

شماره‌ی ۴
دوره‌ی هفتم
تابستان ۱۳۸۹



کینه، انتقام، دروغ و ظلم تقبیح شده و برعکس، انسان دوستی و دل‌سوزی و بخشش، تحسین شده است.

کودکان از خواندن این داستان، لذت می‌برند و پینوکیو را یک دوست همیشگی برای خود برمی‌گزینند.

◆ «کروچه» می‌گوید: چوبی که پینوکیو از آن تراشیده شد، «انسانیت» نام داشت

◆ پینوکیو، زبان همه‌ی انسان‌ها و آرزوی آنان برای رسیدن به درستی و راستی است

چوب جادویی

به راستی چوبی که پینوکیو از آن تراشیده شد، یک چوب معمولی بود؟ «کروچه» می‌گوید: «چوبی که پینوکیو از آن تراشیده شد، «انسانیت» نام داشت». گو این که پینوکیو تکه‌چوب متمایزی است که در خود خصوصیات انسانی‌ای دارد و به همین دلیل با دیگر چوب‌ها متفاوت است؛ در واقع شخصیت انسانی‌ای که هنرمند به پینوکیو بخشیده است، آن را از تکه چوب بودن فراتر برده و در اذهان بشری ماندگار کرده است؛ زیرا پینوکیو، زبان همه‌ی انسان‌ها و آرزوی آنان برای رسیدن به درستی و راستی (واقعیت) است.

این تکه چوب عجیب در داستان، ابتدا در مکان نجاری فقیر پیدا می‌شود و ظاهراً برایش در دسر درست می‌کند. اما بعد به دست پیرمردی مهربان به نام «ژپتو» می‌رسد. او می‌خواهد از آن برای بازی خیمه‌شب‌بازی، آدمکی

بسازد؛ ولی در این راه با ماجراهای عجیبی روبه‌رو می‌شود که هر ماجرای آن، قسمتی از داستان می‌شود و بر جذابیت قصه می‌افزاید و خواننده را به آن علاقه‌مند می‌کند.

این چوب جادویی که به خلق پینوکیو منجر شد، ماجرای زیادی را در پی خود به وجود می‌آورد. از میان شخصیت‌های کارتونی، شاید کم باشند شخصیت‌هایی که به اندازه‌ی پینوکیو در ما احساسات متفاوت برانگیزند. پینوکیو همان عروسک چوبی است که مثل بچه‌های معمول، گاهی مهربان و سر به راه می‌شود و گاهی سر به هوا؛ اما در هر حال مثل تمام کودکان، موجودی ساده و زودباور است که با نیت خیرش، درگیر کارهای نادرست و خلاف هم می‌شود؛ اما در هر حال همیشه تلاش می‌کند تا از بدی و شرارت پرهیز کند و رنجی که برای این تلاش می‌کشد، سرانجام او را به بلوغ فکری می‌رساند تا این که در نهایت از یک عروسک چوبی به یک پسر بچه‌ی واقعی تبدیل می‌شود و نتیجه‌ی رنج‌ها و تجربه‌های زندگی‌اش را در این تحوّل می‌بیند.

پینوکیو، مثل تمام بچه‌ها بازی‌گوش و کنجکاو است و همین بازی‌گوشی، سرچشمه‌ی حوادث عجیب و گاهی باورنکردنی در زندگی او می‌شود. حوادثی که معمولاً به بهای گزافی تمام می‌شوند؛ اما در عین حال پینوکیو را یک قدم به آگاهی و بلوغ انسانی نزدیک‌تر می‌کنند.

پینوکیو گاهی بر اثر حماقت زیاد به خر تبدیل می‌شود. گاهی بر اثر افراط در دروغ‌گویی، دماغش شروع

به دراز شدن می‌کند و گاهی هم بر اثر بدشانسی و بدبختی در شکم یک نهنگ گرفتار می‌آید و این نقطه‌ی اوج تنبیه برای پینوکیو است که، در واقع، آخرین شانس و فرصت اوست که اگر از آن رهایی یابد، به نوعی آگاهی فکری دست می‌یابد و دیگر فریب نمی‌خورد. این پسر خوش‌قلب در شکم نهنگ نه تنها به «آگاهی» می‌رسد؛ بلکه پدر خود را نیز پیدا می‌کند.

پینوکیو نمادی از ساده‌دلی، زودباوری و شگفتی‌های دوران کودکی است. از ماجراهای پینوکیو تا به حال، داستان‌های کارتونی زیادی ساخته شده است.

بهترین کارتونی را که از این ماجرا ساخته شده است، دو کارگردان شرکت دیسنی به نام «بن شار پتین» و «همیلتون لاسکی» به روی پرده آورده‌اند؛ اگرچه فیلم‌ها و کارتون‌ها و نمایش‌های عروسکی فراوان هر یک پینوکیو را با شکل و ظاهری متفاوت مجسم کرده‌اند؛ اما یک نکته میان همه‌ی پینوکیوهای دنیا مشترک است و آن، سادگی و معصومیت دید یک کودک به جهان پیرامون خود است.

رازهایی وجود دارند که باید گشوده شوند؛ حتی اگر به قیمت رنج فراوان برای «تجربه‌کننده» تمام شوند. این رازها جزئی از زندگی همه‌ی ما را تشکیل می‌دهند و با همین رازهاست که بزرگ می‌شویم و زندگی را پشت سر می‌گذاریم.

منبع

۱. کولودی، کارلو، آدمک چوبی، ترجمه‌ی صادق چوبک، ۴۴۴.

۲. یثیری، چیستا، پینوکیو، شخصیتی آشنا، ۴۴۴.